



## شماره ثبت: ۳۱۳۶

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	.....	مرور گذشته
۳	.....	دلیل چهارم
۳	.....	بررسی روایت از لحاظ سندی
۳	.....	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۳	.....	نکته مهم
۴	.....	جمع بندی
۵	.....	نتیجه گیری
۵	.....	گناهان دو قسم است:
۵	.....	نتیجه ی کلی نظریات



## مرور گذشته

در جلسه گذشته عرض کردیم که آیا کذب از کبائر است یا خیر؟

همان طور که در جلسه قبل عرض کردیم، در اینکه بعضی از کذب‌ها، از کبائر به شمار می‌آیند، اختلافی نیست. مثل کذب علی الله و رسول یا افترا از کبائر است.

اینکه کذب بما هو هو یا علی وجه الاطلاق کبیره باشد، محل بحث بین علما است. در اینجا دو نظر وجود دارد:

۱. کذب از کبائر است.

۲. کذب علی الاطلاق از کبائر نیست.

آقای خویی (ره) و امام (ره) به نظریه دوم اعتقاد دارند.

مرحوم شیخ (ره) و آیت الله تبریزی (ره) و بعضی دیگر به نظریه اول اعتقاد دارند.

ادله‌ای نظریه اول را عرض کردیم. روایت اعمش که روایت ۳۶ باب ۴۶ از ابواب جهاد النفس است بر این قضیه دلالت می‌کند. در این روایت به صراحت آمده بود که کذب در ردیف کبائر است. به جز دو روایت دیگر که در جلسه قبل عرض کردیم، نظر آقای تبریزی (ره) بود. نظر ایشان منطبق بر حدیث دوم باب ۴۶ است.

«و شَرِبُ الْخَمْرِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ نَهَى عَنْهَا كَمَا نَهَى عَنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ وَ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ شَيْئًا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ رَسُولِهِ وَ نَقَضَ الْعَهْدَ وَ قَطِيعَةَ الرَّحِمِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ - قَالَ فَخَرَجَ عَمْرُو وَ لَهُ صُرَاخٌ مِنْ بُكَائِهِ وَ هُوَ يَقُولُ هَلَكَ مَنْ قَالَ بِرَأْيِهِ وَ نَارَ عَمَكُمْ فِي الْفَضْلِ وَ الْعِلْمِ.»<sup>۱</sup>



## دلیل چهارم

غیر از این دلایل، روایت ۳۳ این باب است.

### بررسی روایت از لحاظ سندی

این حدیث در سه شماره ذکر شده است. دو سند آن ضعیف است و یک سند آن محل بحث است. در این سند مرحوم صدوق (ره) از عبدالواحد بن محمد بن عبدوس و ایشان نیز از علی بن قتیبه و ایشان از فضل بن شاذان نقل می‌کند.

فضل بن شاذان از اجلای اصحاب است. علی بن قتیبه و عبدالواحد توثیق خاصی در نجاشی و رجال شیخ (ره) ندارند. اما کسانی این دو را تصحیح کرده‌اند. عبدالواحد عبدوس از مشایخ صدوق است؛ یعنی شیخ بلاواسطه صدوق است. نقل مستقیم بزرگان از کسی علی‌الخصوص اگر با نوعی ترحم باشد، توثیق می‌شوند. علی بن محمد قتیبه نیز با واسطه ثقه است.

این دو نفر توثیق خاص در کتب رجالی ندارند. اما بعضی به وجهی توثیق کردند. عبدالواحد به واسطه شیخ صدوق و علی بن قتیبه نیز در قاموس، توثیقی برایشان ذکر شده است. البته باید توجه داشت روایت فضل به خاطر تعدد سند، احتمال اعتبار را بالا می‌برد.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت نیز مثل روایت اعمش، کذب را از کبائر آورده است.

## نکته مهم

تعدد اسناد، غیر از تعدد روایات است، نکاتی که در تعدد روایات گفتیم، در تعدد سند جاری است. در نتیجه روایات شاذان را می‌توانیم معتبر بدانیم.



## شماره ثبت: ۳۱۳۶

### جمع بندی

در این قسمت، چهار دلیل داشتیم. دو روایت اعمش و شاذان، مستقیم به کبر کذب اشاره شده است. یک روایت نیز با استدلال آقای تبریزی (ره) اشاره به کذب می‌کرد. یک دلیل نیز «و اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّور»<sup>۱</sup> است که در قرآن آمده است. روایات دیگری نیز وجود دارد که در اینجا به آن اشاره نکردیم. وزن ادله و روایاتی که تعبیر به کبیر بودن کذب می‌کنند، قابل توجه است.

در نقطه‌ی مقابل روایت معتبره عبدالرحمان بن حجاج را داریم. این روایت مقید این روایات است و معارض این روایات نیست. این روایت نهم باب کذب در ابواب احکام العشرة است.

«وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْكَذَّابُ هُوَ الَّذِي يَكْذِبُ فِي الشَّيْءِ قَالَ لَا مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا يَكُونُ ذَاكَ مِنْهُ وَلَكِنَّ الْمَطْبُوعَ عَلَى الْكُذِبِ.»<sup>۲</sup>

یعنی اکثر افراد مرتکب دروغ می‌شوند.

در این روایت دو احتمال وجود داشت:

۱. کذاب را معنا می‌کند. کذاب کسی است که کذب را مکرراً می‌گوید و کسی که گاهی کذب می‌گوید، کذاب نیست. اگر معنا این باشد، حرف جدیدی وجود ندارد.

۲. امام (ع) می‌فرمایند: کسی که کذب را مکرر نمی‌گوید، سنگینی ندارد. یعنی بار کذب را سبک‌تر می‌کند. این احتمال بعید نیست.

«وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْكَذَّابُ هُوَ الَّذِي يَكْذِبُ فِي الشَّيْءِ قَالَ لَا مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا يَكُونُ ذَاكَ مِنْهُ وَلَكِنَّ الْمَطْبُوعَ عَلَى الْكُذِبِ.»<sup>۳</sup>

۱ حج، آیه ۳۰

۲ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۴۵

۳ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۴۵



## شماره ثبت: ۳۱۳۶

### نتیجه گیری

نظریه اول، دارای وزن بسیار زیادی است. این روایت بالا نیز مقید آن‌ها است و تعارضی وجود ندارد. البته به کذبی که از اقسام کبائر نباشد. ما روایات نظریه اول را کنار نزدیم. فقط کذب‌هایی که در آن مسائل مهم و افترا و ... نیست، قید می‌خورد.

مختصری از دلایل کسانی که قائل به کبیر بودن کذب‌اند

کسانی که قائل‌اند کذب علی الاطلاق کبیره نیست، دلایل دیگری نیز دارند. در روایاتی که کذب علی الله و رسول را کبیره می‌دانند. البته نمی‌توان گفت به این دلیل کذب، کبیره است، زیرا این‌ها مفهوم لقب است. البته این استدلالات تام نیست. همان‌طور که عرض کردیم در روایت دیگری نیز آمده بود «إِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ»<sup>۱</sup> در اینجا می‌گوید کذب از گناهانی است که با تمام گناهان ارتباط دارد.

گناهان دو قسم است:

۱. بعضی گناهان زنجیره‌ای نیستند.

۲. بعضی از گناهان به شکلی با گناهان دیگر ارتباط زنجیره‌ای دارند و به گناهان دیگر گره خورده است.

### نتیجه‌ی کلی نظریات

همان‌طور که عرض کردیم ما پذیرفتیم که کبیره و صغیره بودن مرز جدایی دارد. این مستند به خود آیه است. «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا

تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمًا»<sup>۲</sup>

دو احتمال در باب این آیه شریفه است:

۱. منظور از کبائر، نسبی است.

۱ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵۰

۲ نساء، آیه ۳۱



## شماره ثبت: ۳۱۳۶

۲. احتمال قوی‌تر این است که تقابل بین کبائر و سیئات، اجتناب را حاصل می‌کند. قرینه تقابل قاطع شرک است. ظاهر این آیه این است که تقابل است. البته کلمه صغیره در قرآن ظاهراً نیامده است.

در روایات متعدد معتبر، مرز گذاشته شده است. اگر تأمل کنیم، نمی‌توانیم فرمایش آقای خوبی (ره) و امام (ره) را بپذیریم.

### نکته

وقتی به سراغ قرآن برویم. «او عد الله علیه النار» را پیدا نمی‌کنیم. اما امام (ع) به شکلی این را استخراج کرده است. ما این را از ادله‌ی کبائر می‌دانیم یعنی اگر در جایی آمده باشد «او عد الله علیه النار» نشان کبائر است.